

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۵، ۱۸۶

بررسی آثار رفاهی کاهش موانع تعرفه‌ای ایران در تجارت با گروه D8*

حسن ثاقب** لیلا محرابی***

موافقت‌نامه تجارت ترجیحی / گروه D8 / آثار رفاهی / ایجاد تجارت /
انحراف تجارت

چکیده

در این مقاله آثار اجرای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی D8 بر جریان‌های تجاری و رفاه ایران تحت سناریوهای کاهش تعرفه‌ای و در قالب یک مدل تعادل جزئی مورد بررسی قرار گرفته‌است. این بررسی در سطح کدهای کالایی دو و شش رقمی بر اساس طبقه‌بندی HS و همچنین به تفکیک کالاهای مصرفی، واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد خام صورت پذیرفته است. نتایج حاکی است که ایجاد موافقت‌نامه باعث افزایش صادرات و واردات ایران در تجارت با کشورهای مذکور شده و آثار رفاهی برای ایران بدنبال خواهد داشت. در ادامه به منظور منتفع شدن ایران از حضور در این گروه‌بندی در بلندمدت و

* این مقاله منتج از طرح تحقیقاتی تحت عنوان «بررسی آثار ایستای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو D8 بر جریان‌های تجاری، درآمدهای دولت و رفاه در ایران» می‌باشد که به مدیر مسئولی آقای دکتر سیف‌اله صادقی یارندی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی به انجام رسیده است.

** عضو هیات علمی و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه الزهرا L_Mehrabi61@Yahoo.com

جلوگیری از کسری مستمر تراز تجاری غیرنفتی با آن کشورها، توصیه‌هایی به ویژه در زمینه مذاکرات تعرفه‌ای ارائه شده است.

طبقه‌بندی JEL: F15, F13.

مقدمه

به دنبال تلاش‌های شتابان جهانی برای آزادسازی تجارت به منظور افزایش رشد و توسعه اقتصادی، موافقت‌نامه‌های اقتصادی منطقه‌ای نیز به عنوان یکی از ابزارهای افزایش حجم تجارت بین کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه رو به گسترش می‌باشند. ورود در همگرایی‌های اقتصادی منطقه‌ای دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد و اثرات رفاهی بسیار مهمی را در پی دارد. اغلب اقتصاددانان بر این عقیده هستند که حرکت به سمت تجارت آزاد در مجموع به نفع همه کشورها می‌باشد و تجارت آزاد باعث همبستگی بیشتر در میان ملت‌ها شده و با پدیده جهانی شدن ارتباط دارد. همچنین آنان معتقدند که کشورهای در حال توسعه از تجارت آزاد منافع زیادی کسب می‌کنند.^۱

کشورهای اسلامی نیز به منظور همگرایی و گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری در میان اعضای خود اقدام به تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی نموده‌اند. علاوه بر آن برخی از کشورهای اسلامی موافقت‌نامه‌هایی را بین اعضای خود امضاء نموده و یا به عضویت در این گونه موافقت‌نامه‌ها با کشورهای غیراسلامی درآمده‌اند. هم‌اکنون همگرایی‌های منطقه‌ای نظیر (p)GCC^۲، ECO^۳، AMU^۴، CAEU^۵ با عضویت انحصاری کشورهای اسلامی در حال فعالیت می‌باشند و همچنین از سال ۲۰۰۴ میلادی مذاکرات پیرامون ایجاد نظام ترجیحات تجاری بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC)^۶ نیز آغاز شده است. تشکیل گروه D8 نیز در همین راستا بوده است. این گروه متشکل از هشت کشور اسلامی در حال توسعه شامل ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه می‌باشد.

1. Amponsah. W. A. (2002).
2. Gulf Cooperation Council.
3. Economic Cooperation Organization.
4. Arab Maghreb Union.
5. Council of Arab Economic Unity.
6. The Agreement on the Trade Preferential System among Islamic Countries(TPS/OIC).

از آنجا که ایجاد یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی (PTA)^۱ به منظور همگرایی بیشتر اعضای از جمله اقداماتی است که در دستور کار گروه D8 گرفته‌است، لذا ضروری است جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای گروه، قبل از هرگونه اقدام عملی، جوانب مختلف این موضوع را بررسی نموده و مناسب‌ترین راهبرد را جهت انجام مذاکرات برگزیند. به طور معمول این گونه موافقت‌نامه‌ها بدلیل توافقی که بین اعضای برای کاهش موانع تعرفه‌ای صورت می‌پذیرد، باعث ایجاد تجارت و انحراف تجارت برای هریک از کشورهای عضو شده و به تبع آن تغییر در صادرات، واردات، تراز تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای هر یک از اعضای را منجر شده و همچنین آثار رفاهی برای آن‌ها بدنبال خواهد داشت. از این‌رو هدف اصلی مقاله حاضر برآورد آثار رفاهی ایران پس از اجرای موافقت‌نامه مذکور و اثرات کاهش سراسری تعرفه تحت دو سناریوی ۱۵ و ۳۰ درصد بر جریان‌ات تجاری، درآمدهای تعرفه‌ای ایران می‌باشد. با توجه به هدف فوق این سئوالات مطرح است که اولاً آیا کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب PTA باعث گسترش حجم مبادلات تجاری شده و در اثر آن کسری تراز تجاری ایران با آن کشورها کاهش خواهد یافت؟ و ثانیاً کاهش موانع تعرفه‌ای ایران تحت سناریوهای مورد نظر چه تأثیری بر درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه در ایران خواهد داشت؟

در ابتدا این فرضیه از سوی محققان مطرح است که کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب PTA علاوه بر افزایش حجم تجارت، صادرات و واردات ایران با سایر کشورها، باعث کاهش کسری تراز تجاری ایران با کشورهای مذکور و همچنین افزایش درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه در ایران خواهد شد. اینکه پس از اجرای موافقت‌نامه تغییرات حجم تجارت، صادرات و واردات ایران به چه میزان و در کدام‌یک از کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد خام خواهد بود، به منظور اتخاذ استراتژی مناسب در هنگام مذاکرات بسیار مهم است؛ از این‌رو در این مقاله علاوه بر بررسی تغییرات فوق در سطح کل تجارت و کدهای دو و شش رقمی HS، بر اساس طبقه‌بندی کالایی فوق از لحاظ نوع کاربرد نیز مورد بررسی قرار گرفته‌است.

1. Preferential Trade Agreement (PTA).

جامعه آماری تحقیق کشورهای عضو گروه D8 بوده و از آمار متوسط دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۳ میلادی مستخرج از نرم افزار آماری PC/TAS استفاده شده است. همچنین آمار تعرفه‌های ایران از کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۳ و اطلاعات تعرفه‌ای سایر کشورهای عضو D8 از سایت‌های مرتبط بانک جهانی^۱ اخذ شده است.

ساختار مقاله بدین شرح است که بخش بعدی به مبانی نظری و مطالعات تجربی اختصاص داشته و در بخش دوم آثار مختلف همگرایی اقتصادی منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم به بررسی وضعیت تجارت ایران با سایر اعضای D8 و همچنین ساختار تعرفه‌ای کالاهای تجاری ایران و کشورهای مذکور پرداخته می‌شود. بخش چهارم به ارائه مدل اختصاص دارد. در بخش پنجم نتایج مطالعه ارائه و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و بالاخره بخش آخر نیز به جمع‌بندی و ملاحظات اختصاص دارد.

۱. مبانی نظری و مطالعات تجربی

جامع و کامل‌ترین تحلیل از موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای که بین اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت تفکیک و تفاوت قائل شد، به واینر^۲ برمی‌گردد. منشاء منافع ناشی از تجارت از دیدگاه کلاسیکی این است که تجارت آزاد جهانی به مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها امکان خرید از منابع ارزان‌تر را فراهم می‌آورد و این به نوبه خود تضمین می‌کند که تولید بر اساس مزیت نسبی صورت پذیرد. در مقابل، موانع تجاری در برابر عرضه خارجی مانع و تبعیض قائل می‌شود و باعث گسترش تولید داخلی حتی با هزینه بالاتر از واردات می‌گردد و باعث کاهش منابع صادرات و کوچک شدن این بخش می‌گردد. واینر نشان داد که هر چند موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای باعث کاهش برخی از موانع تجارت آزاد می‌گردد، اما این امر لزوماً باعث ایجاد منافع ناشی از تجارت نمی‌گردد و منافع ناشی از موافقت‌نامه‌های تجاری زمانی بدست می‌آید که همه موانع تجاری کاهش یابد نه اینکه کاهش موانع تجاری به صورت بخشی و تبعیض‌آمیز همانند

1. <http://www.wits.worldbank.org>

2. Viner, J. (1950).

موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای باشد. این بدان خاطر است که تبعیض بین منابع عرضه از بین نرفته بلکه فقط جابجا شده است. اگر تولیدات کشور شریک تجاری جایگزین تولیدات با هزینه بالای داخلی شود در آن صورت منافع ایجاد تجارت بدست خواهد آمد. اما ممکن است تولیدات کشور شریک تجاری جایگزین واردات با هزینه کمتر سایر کشورهای جهان شود و با انحراف تجارت باعث کاهش رفاه کشور شود. تحلیل ایجاد تجارت و انحراف تجارت یکی از اولین تحلیل‌ها در قالب ریاضی از یک مسئله عمومی‌تر بنام اقتصاد رفاه بهینه دوم را پایه‌ریزی کرد. از آنجایی که انحرافات به هر حال در فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، برطرف کردن برخی از این انحرافات (مثلاً حذف برخی موانع در برابر شرکای تجاری و ابقاء آن در مورد کشورهای غیرعضو) سبب بهبود رفاه نمی‌گردد. در ادبیات همگرایی منطقه‌ای به ابهامات اساسی تئوری بهینه دوم، در سه حالت عمده پاسخ داده شده است: اول اینکه نویسندگان و محققین شرایطی را یافتند که در آن‌ها هیچ‌گونه تعاملی بین تشکیل یک موافقت‌نامه همگرایی منطقه‌ای و جریان‌ات تجارت خارجی وجود ندارد و در نتیجه هیچگونه امکان انحراف تجارت نیز وجود ندارد. به عنوان مثال مید^۱ معتقد است که اگر موانع تجاری با سایر اعضا به شکل محدودیت‌های مقداری ثابت باشند، در این صورت یک موافقت‌نامه همگرایی منطقه‌ای رفاه کلی کشورهای عضو را افزایش می‌دهد چون امکان جابجایی واردات از بقیه جهان وجود ندارد. اهیاما^۲ و کمپ و ون^۳ نیز نشان دادند چگونه زمانی که موانع تجارت خارجی به شکل تعرفه باشد، امکان تعدیل تعرفه‌ها به منظور ثابت نگاه داشتن تجارت خارجی وجود دارد تا از بروز انحراف تجارت جلوگیری به عمل آید.^۴ دوم اینکه محققین شرایطی را شناسایی نموده‌اند که با تغییر در متغیرهای درون‌زا می‌توان رفاه اقتصادی بدست آورد. برای مثال، چنانچه تغییر (کاهش) تعرفه‌های وزنی اولیه باعث افزایش حجم تجارت گردد، رفاه اقتصادی افزایش می‌یابد. اگر تعرفه‌های داخلی نزدیک به صفر باشد در آن صورت کاهش آن به حد صفر، رفاه را افزایش می‌دهد با این قید که این کاهش درآمدهای تعرفه‌ای ناشی از

1. Meade, J.E. (1955).

2. Ohyama, M. (1972).

3. Kemp, M.C. & H. Wan (1976).

4. Venables, Anthony. J. (2000).

تجارت خارجی را افزایش دهد.^۱ حالت سوم با شناسایی خصوصیات اقتصاد (بر حسب ویژگی‌های برونزای مهم آن‌ها) از بعد کم و بیش برنده و یا بازنده اقتصادها از یک عضویت در موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای می‌باشد. در این خصوص لپسی^۲ استدلال کرد که الحاق به کشورهای که قبلاً از بزرگترین شرکا بوده‌اند، احتمالاً به انحراف تجارت منجر شود؛ زیرا همین مسئله بزرگ‌ترین شریک تجاری بودن مبین عرضه کم هزینه‌تر این کشورها می‌باشد. همچنین منظور نمودن هزینه‌های حمل و نقل در هزینه‌های عرضه به بحث بلوک تجاری طبیعی منجر می‌گردد.^۳ همچنین ون ابل (۲۰۰۰) نیز معتقد بود که اعضای موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای که از نظر مزیت نسبی بسیار متفاوت از متوسط جهانی هستند، با احتمال زیاد از انحراف تجارت زیان خواهند دید. زیرا تجارت آن‌ها به کشورهای شریک که دارای متوسط هزینه نسبی بین متوسط هزینه جهانی و متوسط هزینه کشورهای مذکور قرار دارد، منحرف می‌شود.

گرچه تمرکز متون مربوط به ایجاد تجارت و انحراف تجارت بر تغییرات در جریانات تجاری ناشی از همگرایی منطقه‌ای می‌باشد، اما نباید از اهمیت دو اثر زیر غافل بود: اثر اول این است که تغییرات در جریانات تجاری می‌تواند قیمت‌های جهانی را تغییر دهد و احتمالاً باعث بهبود رابطه مبادله کشورهای عضو شود هرچند این منافع به ضرر کشورهای غیر عضو حاصل می‌شود. برای مثال اگر انحراف تجارت اتفاق بیافتد در آن صورت واردات کشورهای عضو موافقت‌نامه همگرایی منطقه‌ای از کشورهای غیر عضو کاهش می‌یابد هر کاهشی در قیمت‌های واردات که از این رهگذر حاصل شود، باعث بهبود رابطه مبادله می‌شود. مطالعات تجربی وینترز و چنج (۲۰۰۰) بر روی این موضوع نشان می‌دهد که عضویت برزیل در مرکوسور همراه با کاهش عمده در قیمت‌های نسبی واردات از کشورهای غیر عضو بوده است. اثر دوم این است که تغییرات در تعرفه‌ها و حجم تجارت (واردات) منجر به کاهش درآمد تعرفه‌ای دولت می‌گردد. این حالت می‌تواند مستقیماً حادث شود چون تعرفه‌های درون‌گروهی موافقت‌نامه کاهش می‌یابد. همچنین این حالت

1. Ethier, W. & H. Horn (1984)

2. Lipsey, R.G. (1957)

3. Wonnacott & Lutz (1989); Summers (1991).

می تواند در نتیجه انحراف تجارت حادث شود، چرا که واردات از منابع خارجی عرضه منحرف می شود و هزینه های اجتماعی تهیه و جوه به وسایل دیگر وجود داشته و این امر برای برخی از کشورهای در حال توسعه بسیار شدید است. برای مثال در جامعه توسعه آفریقای جنوبی که در آن برخی از کشورها به شدت وابسته به تجارت با آفریقای جنوبی هستند مبالغ زیادی از درآمد مربوط درآمدهای تعرفه ای است.^۱

۲. آثار همگرایی های اقتصادی منطقه ای

موافقت نامه های همگرایی منطقه ای (RIAs)^۲ به عنوان سازوکاری برای آزادسازی تجارت است و زمانی ایجاد می شود که کشورها برای تشکیل یک منطقه آزاد تجاری گرد هم آمده و برای هر کشور عضو، امکان دسترسی ترجیحی به بازارهای سایر اعضا فراهم آید. این همگرایی ها از ابزارهای ارتقاء فعالیت های تجاری بین المللی است که با حذف موانع تجاری شرایط تجارت را در سطح منطقه و یا جهان تسهیل می بخشد. اصولاً نظریه پردازان، همگرایی را در دو سطح ملی و بین المللی یا منطقه ای مورد توجه قرار داده اند و همگرایی های منطقه ای را به عنوان فرآیندی می دانند که دولت های مستقل فعالیت های خود را به سمت یک مرکز جدید هدایت نموده و حتی الامکان با آن هماهنگ می شوند. این ترتیبات همگرایی ها بویژه برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی کامل برای ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، به عنوان مؤثرترین راه جهت گشودن تدریجی اقتصادهای ملی و ادغام در اقتصاد جهانی محسوب می شود. ورود در این همگرایی ها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حائز اهمیت بوده و از محورهای اصلی برنامه های اغلب دولت ها در قرن حاضر می باشد. در حال حاضر تقریباً همه کشورهای جهان عضو حداقل یک RIA هستند و بیش از یک سوم تجارت جهانی از طریق این موافقت نامه ها انجام می شود. همگرایی های اقتصادی به چند شکل ظهور پیدا می کند و از لحاظ شدت همگرایی با یکدیگر تفاوت دارند. انواع همگرایی های اقتصادی عبارتند از: ترتیبات

1. Venables, Anthony. J. (2000).

2. Regional Integration Agreements (RIAs).

تجارت ترجیحی، منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی. به طور کلی دو اثر مهم همگرایی‌های منطقه‌ای را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۲-۱. ایجاد تجارت^۱ و انحراف تجارت^۲

آثار ایستای تشکیل ادغام‌های اقتصادی منطقه‌ای را می‌توان بر حسب «ایجاد تجارت» و «انحراف تجارت» که از ادغام‌ها حاصل می‌شود اندازه‌گیری کرد. ایجاد تجارت زمانی رخ می‌دهد که واردات ارزاتر و با هزینه تولید کمتر اعضاء جانشین برخی از محصولات داخلی یک کشور عضو اتحادیه شود. این جانشینی که نتیجه ایجاد تجارت است باعث افزایش رفاه از طریق افزایش تخصص در تولید با توجه به مزیت نسبی خواهد شد. ایجاد تجارت باعث افزایش رفاه کشورهای غیر عضو نیز خواهد شد زیرا بخشی از افزایش در آمد حقیقی (با توجه به تخصص بیشتر در تولید) صرف واردات بیشتر از سایر کشورهای جهان خواهد شد. اثر ایستای دومی که از ناحیه همگرایی اقتصادی می‌تواند ایجاد شود موسوم به انحراف تجارت است. انحراف تجارت زمانی پیش می‌آید که با تشکیل اتحادیه گمرکی، واردات با هزینه بیشتر از یک کشور عضو اتحادیه گمرکی جانشین واردات با هزینه کمتر (کارآتر) از یک کشور غیر عضو شود. انحراف تجارت باعث کاهش رفاه می‌شود زیرا موجب انتقال واردات از تولیدات کارآتر خارج از اتحادیه به تولیدکنندگان داخل اتحادیه با کارایی کمتر می‌شود. بعبارت دیگر مصرف‌کننده کالاهای با کیفیت پایین تر اعضاء را جانشین کالاهای با کیفیت بالاتر کشورهای غیر عضو می‌نماید. بنابراین انحراف تجارت موجب تخصیص غلط منابع تولیدی در سطح بین‌المللی شده و تولید را از تخصص بر مبنای مزیت نسبی دور می‌کند.^۳

۲-۲. اثرات مربوط به صرفه جوئی ناشی از مقیاس و رقابت

سازوکار دیگری که از طریق آن کشورهای عضو موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای تحت تأثیر واقع می‌شوند از این حقیقت ناشی می‌گردد که کشورهای کوچک به تنهایی

1. Trade Creation.

2. Trade Diversion.

3. Venables, Anthony. J. (2000).

نمی‌توانند فعالیت‌هایی را که به مقیاس تولید وسیع احتیاج دارند به عهده بگیرند زیرا این فعالیت‌ها احتیاج به بازار تولید وسیع دارند و اندازه بازار این کشورها صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس را به دنبال نخواهد داشت. همکاری‌های منطقه‌ای راهی را برای فایق آمدن بر عدم مزیت‌های ناشی از کوچک بودن کشورها از طریق تجمیع منابع و بازارها ارائه می‌دهد. این صرفه‌جوئی ناشی از مقیاس می‌تواند منافی را چه در بخش عمومی و چه در سطح بنگاه‌ها که نوعاً در ساختار بازارهای رقابت ناقص عمل می‌نماید، در برداشته باشد.^۱ این موضوع در بحث مربوط به ایجاد تجارت و انحراف تجارت لحاظ نمی‌شود. زیرا بحث مزبور مبتنی بر رقابت کامل و بازدهی ثابت نسبت به مقیاس در تئوری سنتی تجارت مطرح است و تنها در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود که تقابل بین تجارت، صرفه‌های ناشی از مقیاس و رقابت ناقص به صورت «تئوری جدید تجارت» مطرح شد و این تکنیک‌ها در حال حاضر در حد وسیعی در همگرایی منطقه‌ای نیز کاربرد دارد.^۲

۳. وضعیت تجارت ایران با گروه D8 و مقایسه ساختار تعرفه‌ای آن‌ها

بررسی وضعیت تجارت ایران (مجموع صادرات و واردات) با گروه D8 طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۳ حاکی است که حدود ۵ درصد از کل تجارت ایران با گروه مذکور انجام می‌پذیرد. کشور ترکیه، عمده‌ترین شریک تجاری ایران در بین کشورهای گروه D8 محسوب می‌شود، به طوری که ۴۳ درصد از کل تجارت ایران با گروه مربوط به کشور ترکیه است و از این لحاظ به ترتیب کشورهای مالزی با ۲۳ درصد، اندونزی با ۱۵ درصد، پاکستان با ۱۴ درصد، بنگلادش با ۴ درصد و مصر با ۱ درصد از کل تجارت ایران با گروه، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین طی دوره مذکور ایران با نیجریه تجارت نداشته است. بررسی نوع کالاهای مبادلاتی ایران با گروه D8 نشان می‌دهد که کالاهای واسطه‌ای سهم عمده را دارا می‌باشد و طی دوره مورد بررسی ۷۱۱ میلیون دلار از کل تجارت ایران با گروه (۵۱/۷ درصد از کل) مربوط به این کالاها بوده است به ترتیب کالاهای مصرفی با ۲۸۷ میلیون دلار (۲۰/۹ درصد) و کالاهای سرمایه‌ای با ۲۰۵ میلیون دلار (۱۴/۹ درصد) و

1. World Bank (2000).

2. Smith, A. & A.J. Venables (1988).

مواد خام با ۱۷۳ میلیون دلار (۱۲/۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از لحاظ کالایی نیز تجارت ایران با گروه در بیش از ۱۰۵۰ کد شش رقمی HS و ۷۶ کد کالایی دو رقمی HS انجام پذیرفته است.

طی دوره مذکور کل صادرات غیرنفتی ایران به گروه D8 معادل ۳۶۷ میلیون دلار بوده که این رقم ۲۶/۷ درصد از کل تجارت ایران با کشورهای مذکور و همچنین ۷/۸ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران محسوب می‌شود. عمده‌ترین بازارهای صادراتی ایران در بین گروه، کشورهای پاکستان و ترکیه می‌باشند که به ترتیب با ۱۱۶ و ۱۱۳ میلیون دلار، ۳۲ درصد و ۳۱ درصد از کل صادرات ایران به گروه را تشکیل می‌دهند و کشورهای اندونزی با ۶۳ میلیون دلار (۱۷ درصد)، مالزی با ۵۴ میلیون دلار (۱۵ درصد)، مصر با ۱۰/۶ میلیون دلار (۳ درصد) و بنگلادش با ۱۰/۳ میلیون دلار (۳ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

از نظر کالایی، کالاهای واسطه‌ای حجم عمده صادرات ایران به گروه را تشکیل می‌دهد. مطابق جدول شماره (۱) در حدود ۱۸۷ میلیون دلار (۵۱ درصد) از کل صادرات ایران به گروه مربوط به این کالاها است. صادرات مواد خام با ۱۱۹ میلیون دلار (۳۲ درصد)، کالاهای مصرفی با ۴۹ میلیون دلار (۱۳ درصد از کل) و کالاهای سرمایه‌ای با ۱۲ میلیون دلار (۳ درصد از کل) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

صادرات ایران به گروه D8 برحسب کدهای دو رقمی HS در ۵۸ کد کالایی صورت می‌پذیرد. پنج گروه عمده صادراتی ایران و میزان و سهم صادرات هر یک به ترتیب عبارتند از:

- سوخت‌ها و روغن‌های معدنی (کد ۲۷) ۵۶ میلیون دلار (۱۵/۲ درصد از کل)
- محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹) ۵۲ میلیون دلار (۱۴/۲ درصد از کل)
- پنبه (کد ۵۲) ۳۶ میلیون دلار (۹/۹ درصد از کل)
- مس و مصنوعات مسی (کد ۷۴) ۳۳ میلیون دلار (۹ درصد از کل)
- مواد پلاستیکی (کد ۳۹) ۲۹/۷ میلیون دلار (۸/۱ درصد از کل)

کالاهای فوق در مجموع بیش از ۵۶ درصد از کل صادرات ایران به گروه D8 را تشکیل می‌دهند. همچنین صادرات ایران به گروه D8 برحسب کدهای شش رقمی HS در

۳۳۵ کد کالایی مختلف انجام می‌شود. پنج قلم عمده صادراتی ایران به گروه D8 و میزان و سهم صادرات هر یک به ترتیب عبارتند از:

- نخ پنبه‌ای (کد ۵۲۰۱۰۰) ۳۶ میلیون دلار (۹/۹ درصد از کل)
- فرآورده‌های نفتی (کد ۲۷۱۰۰۰) ۳۲ میلیون دلار (۸/۷ درصد از کل)
- دی کلرواتان (کد ۲۹۰۲۴۳) ۲۴ میلیون دلار (۶/۵ درصد از کل)
- میله و پروفیل از آلایژهای مسی (کد ۷۴۰۴۰۰) ۱۴ میلیون دلار (۳/۹ درصد از کل)
- نخود (کد ۰۷۱۳۲۰) ۱۱ میلیون دلار (۲/۹ درصد از کل)

اقدام فوق در مجموع ۳۲ درصد از کل صادرات ایران به گروه را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی‌های دیگر حاکی است صادرات کالاهای واسطه‌ای در ۱۴۶ کد کالایی انجام شده و بیشترین تنوع را دارد. همچنین صادرات مواد خام در ۶۵ کد کالایی، کالاهای مصرفی در ۷۵ کد کالایی و کالاهای سرمایه‌ای در ۴۹ کد کالایی انجام پذیرفته‌است. از لحاظ ساختار تعرفه‌ای گروه D8 بر واردات از ایران بررسی‌ها نشان می‌دهند که در سطح کدهای شش رقمی HS، ۷۵ درصد تعرفه‌ها پایین تر از ۱۰ درصد و مابقی بالای ۱۰ درصد می‌باشند که در این میان ۲۰ درصد از تعرفه‌ها صفر می‌باشد. همچنین بالاترین نرخ‌های تعرفه مربوط به آب میوه‌ها و سبزیجات (کد ۲۰۰۹۸۰) معادل ۶۰/۱ درصد، آب سیب (کد ۲۰۰۹۷۰) معادل ۶۰/۱ درصد، آلوی خشک (کد ۰۸۱۰۵۰) معادل ۵۶/۴ درصد، پسته (کد ۰۸۰۲۳۲) معادل ۴۳/۶ درصد، کیوی (کد ۰۸۰۸۱۰) معادل ۴۰ درصد می‌باشد. مطابق جدول شماره (۱)، میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های گروه بر واردات از ایران به ترتیب معادل ۹/۲ و ۵/۵ درصد می‌باشد؛ متوسط تعرفه‌های کالاهای مصرفی معادل ۱۴/۷ درصد و بالاترین میزان بوده و متوسط تعرفه‌ها در مورد کالاهای واسطه‌ای معادل ۶/۲ درصد، مواد خام معادل ۱۱/۶ و کالاهای سرمایه‌ای معادل ۶/۲ درصد بوده است.

طی دوره مورد بررسی، کل واردات ایران از گروه D8 معادل ۱۰۱۰ میلیون دلار بوده است که این رقم ۷۳/۳ درصد از کل تجارت ایران با گروه مذکور و ۴/۴ درصد از کل واردات ایران را تشکیل می‌دهد. کشور ترکیه عمده‌ترین بازار وارداتی ایران در بین گروه می‌باشد؛ واردات ایران از کشور مذکور ۴۷۷ میلیون دلار بوده و حدود ۴۷ درصد از کل

واردات ایران از گروه را به خود اختصاص داده‌است. در بین سایر کشورهای گروه، واردات ایران به ترتیب از مالزی ۲۵۸ میلیون دلار (۲۶ درصد)، اندونزی ۱۴۲ میلیون دلار (۱۴ درصد)، پاکستان ۸۴ میلیون دلار (۸ درصد)، بنگلادش ۴۰ میلیون دلار (۴ درصد) و مصر ۱۰ میلیون دلار (۱ درصد) بوده است. از نظر کالایی، بیشترین میزان واردات ایران از گروه را نیز کالاهای واسطه‌ای تشکیل می‌دهد. مطابق جدول شماره (۱)، واردات کالاهای مذکور معادل ۷۱۱ میلیون دلار (۵۱ درصد از کل واردات ایران از گروه) می‌باشد. واردات کالاهای مصرفی با ۲۸۷ میلیون دلار (۲۴ درصد از کل)، کالاهای سرمایه‌ای ۲۰۵ میلیون دلار (۱۵ درصد از کل) و مواد خام با ۱۷۳ میلیون دلار (۱۳ درصد از کل) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

واردات ایران از گروه D8 در ۶۸ کد کالایی دو رقمی HS صورت گرفته است. پنج

گروه عمده وارداتی ایران و میزان و سهم واردات هر یک به ترتیب عبارتند از:

- ماشین‌آلات مکانیکی (کد ۸۴) ۱۱۳ میلیون دلار (۱۱/۲ درصد از کل)
 - کاغذ و مقوا (کد ۴۸) ۸۳ میلیون دلار (۸/۱ درصد از کل)
 - غلات (کد ۱۰) ۷۰ میلیون دلار (۷ درصد از کل)
 - مواد پلاستیکی (کد ۳۹) ۶۳ میلیون دلار (۶/۳ درصد از کل)
 - چربی‌ها و روغن‌های حیوانی (کد ۱۵) ۶۳ میلیون دلار (۶/۲ درصد از کل)
- کالاهای فوق در مجموع بیش از ۳۹ درصد از کل واردات ایران را تشکیل می‌دهند. همچنین واردات ایران از گروه مذکور در ۱۰۵۰ کد کالایی شش رقمی HS صورت می‌پذیرد. پنج قلم عمده وارداتی ایران و میزان و سهم واردات هر یک به ترتیب عبارتند از:
- برنج (کد ۱۰۰۶۳۰) ۷۰ میلیون دلار (۶/۹ درصد از کل)
 - پارچه استخوانبندی لاستیک چرخ (کد ۵۹۰۲۱۰) ۳۷ میلیون دلار (۳/۷ درصد از کل)
 - شیره کائوچوی طبیعی (کد ۴۰۰۱۱۰) ۳۵ میلیون دلار (۳/۴ درصد از کل)
 - روغن نخل و اجزای آن (کد ۱۵۱۱۹۰) ۳۰ میلیون دلار (۳ درصد از کل)
 - کاغذ و مقوای برای امور گرافیکی (کد ۴۸۰۲۵۲) ۲۹/۵ میلیون دلار (۲/۹ درصد از کل)
- (کل)

جدول ۱- وضعیت تجارت ایران با سایر کشورهای عضو D8 و ساختار تعرفه‌ای آن‌ها به تفکیک مواد خام، کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای

تراز تجاری (هزار دلار)	حجم تجارت (هزار دلار)	واردات ایران				صادرات ایران				شرکای تجاری
		تعرفه		تعداد کدهای رقمی HS	واردات ایران از گروه (هزار دلار)	تعرفه		تعداد کدهای رقمی HS	واردات گروه از ایران (هزار دلار)	
		میانگین وزنی	میانگین حسابی			میانگین وزنی	میانگین حسابی			
-۳۰۱۲۰	۵۰۷۳۵	۱۴/۸	۱۲/۵	۸	۴۰۴۲۸	۱۲/۸	۱۹/۳	۱۴	۱۰۳۰۷	بنگلادش
۸۱۳/۰	۲۰۳۶۸	۸/۵	۱۳/۴	۲۰	۹۷۷۸	۱۹/۲	۲۱/۶	۳۲	۱۰۵۹۱	مصر
-۷۸۴۶۶	۲۰۴۶۹۱	۱۱/۹	۱۸/۷	۱۳۰	۱۴۱۵۷۹	۱/۱	۲/۹	۴۱	۶۳۱۱۲	اندونزی
-۲۰۴۱۰۴	۳۱۱۹۱۳	۹/۲	۱۶/۳	۲۶۳	۲۵۸۰۰۹	۳/۱	۳/۸	۷۴	۵۳۹۰۴	مالزی
۳۲۴۰۷	۱۹۹۵۱۷	۴۶/۰	۱۹/۸	۱۶۱	۸۳۵۵۵	۸/۹	۱۳/۷	۱۲۳	۱۱۵۹۶۲	پاکستان
-۳۶۳۵۸۸	۵۹۰۰۶۲	۱۵/۷	۱۷/۸	۸۳۳	۴۷۶۸۲۵	۳/۶	۶/۶	۱۶۲	۱۱۳۲۳۷	ترکیه
-۶۳۹۱۷	۱۷۳۱۳۰	۰/۵	۱۸/۱	۲۷	۵۴۶۰۶	۲/۳ ^x	۱۱/۶	۶۵	۱۱۸۵۲۴	مواد خام
-۱۸۸۲۸۰/۰	۲۸۷۲۵۷	۷/۲	۲۸/۲	۲۶۱	۲۳۷۷۶۹	۱/۱	۱۴/۷	۷۵	۴۹۴۸۹	کالاهای مصرفی
-۳۳۶۴۷۲	۷۱۱۴۱۲	۶/۰	۱۳/۹	۴۲۹	۵۲۳۹۴۲	۲/۱	۶/۲	۱۴۶	۱۸۷۴۷۰	کالاهای واسطه‌ای
-۱۸۲۲۲۴	۲۰۵۴۸۶	۲/۳	۱۴/۴	۳۳۳	۱۹۳۸۵۵	۰/۱	۶/۲	۴۹	۱۱۶۳۱	کالاهای سرمایه‌ای
-۶۴۳۰۵۹	۱۳۷۷۲۸۴	۱۵/۹	۱۷/۶	۱۰۵۰	۱۰۱۰۱۷۲	۵/۵	۹/۲	۳۳۵	۳۶۷۱۱۲	کل کالاها

x ارقام مربوط به میانگین وزنی به تفکیک گروه‌های کالایی در واقع میزان تعرفه اخذ شده از هر کالا را نشان می‌دهد.

مأخذ: محاسبات بر اساس منابع زیر صورت پذیرفته است:

۱- مقررات صادرات و واردات ایران (۱۳۸۳)، وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

پنج قلم عمده کالاهای وارداتی محسوب می‌شوند که در مجموع ۲۰ درصد از کل واردات ایران از گروه را تشکیل می‌دهند.

بررسی‌های دیگر حاکی است که واردات کالاهای واسطه‌ای در ۴۲۹ کد کالایی و از بیشترین تنوع برخوردار است. همچنین واردات کالاهای مصرفی در ۲۶۱ کد کالایی، کالاهای سرمایه‌ای در ۳۳ کد کالایی و مواد خام در ۲۷ کد کالایی صورت می‌پذیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که از لحاظ ساختار تعرفه‌ای ایران در واردات از گروه D8 حدود ۲ درصد از نرخ‌های تعرفه بیش از ۵۰، ۱۸ درصد از نرخ‌های تعرفه بین ۲۵ تا ۵۰، ۳۴ درصد از نرخ‌های تعرفه بین ۱۰ تا ۲۵ و ۴۶ درصد از نرخ‌های تعرفه نیز پایین‌تر از ۱۰ درصد می‌باشند. همچنین بالاترین نرخ‌های تعرفه نیز به وسائط نقلیه دارای موتور پیستونی درونسوز تناوبی (کد ۸۷۰۳۲۳) معادل ۱۷۰ درصد و وسائط نقلیه، دارای موتور پیستونی درونسوز (کد ۸۷۰۳۹۰) معادل ۱۴۷ درصد تعلق دارد. مطابق جدول شماره (۱)، میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های ایران بر واردات از گروه به ترتیب معادل ۱۷/۶ و ۱۵/۹ درصد می‌باشد؛ متوسط تعرفه‌های کالاهای مصرفی معادل ۲۸/۲ درصد و بالاترین میزان بوده و متوسط تعرفه در مورد مواد خام ۱۸/۱ درصد، کالاهای سرمایه ۱۴/۴ درصد و کالاهای واسطه‌ای ۱۳/۹ درصد می‌باشد.

به‌طور کلی سهم صادرات غیرنفتی ایران به گروه D8 از کل صادرات غیرنفتی نسبت به سهم واردات از گروه مذکور در کل واردات ایران، بالاتر بوده و نشان‌دهنده اهمیت بیشتر صادرات در تجارت ایران با کشورهای مذکور می‌باشد. علیرغم این موضوع، حجم بالاتر واردات ایران از گروه D8 نسبت به صادرات ایران به گروه مذکور باعث شده است که ایران دارای کسری تراز تجاری معادل ۶۴۳ میلیون دلار با کل گروه باشد. این کسری تراز تجاری ایران در مورد همه کشورهای گروه بجز پاکستان و مصر وجود دارد. همچنین در مورد نوع کالاها، ایران تنها در تجارت موادخام از مازاد تراز تجاری معادل ۶۴ میلیون دلار برخوردار است و در سایر گروه‌های کالایی دارای کسری تراز تجاری می‌باشد. این کسری در کالاهای واسطه‌ای معادل ۳۳۶ میلیون دلار، در کالاهای مصرفی ۱۸۸ میلیون دلار و در کالاهای سرمایه‌ای ۱۸۲ میلیون دلار می‌باشد. مقایسه ساختار تعرفه‌ای ایران و گروه D8 نیز نشان می‌دهد که میانگین وزنی تعرفه‌های ایران بر واردات از گروه بالاتر از

میانگین وزنی تعرفه‌های گروه بر واردات از ایران است و این موضوع نیز در مورد همه کشورها بجز مصر صادق است.

۴. ارائه مدل

اهمیت آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای منجر به تلاش محققین برای محاسبه و اندازه‌گیری این اثرات شده است. یکی از روش‌های اجرایی بکار گرفته شده در این زمینه مدل «اسمارت»^۱ است که در چارچوب یک مدل تعادل جزئی انجام می‌پذیرد. این مدل شبیه‌سازی اثرات ایجاد موافقت‌نامه را بر جریان‌های تجاری دو جانبه یا چندجانبه با دیگر شرکای تجاری نشان می‌دهد. در این مدل برای تعیین اثرات موافقت‌نامه، سمت واردات و سمت صادرات بصورت جداگانه بررسی و سپس با تلفیق این دو به تعیین اثر خالص مبادرت می‌شود. پیش‌بینی شبیه‌سازی اسمارت به طور مستقیم متأثر از سه متغیر کلیدی یعنی سطح جاری واردات، اندازه کاهش تعرفه و کشش تقاضای واردات می‌باشد. کل آثار ایجاد موافقت‌نامه از مجموع دو اثر ایجاد تجارت (TC) و انحراف تجارت (TD) محاسبه می‌گردد. در این مطالعه برای اندازه‌گیری ایجاد تجارت از معادله زیر استفاده می‌شود:^۲

$$TC = M_{ijk} \eta_i^m \frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$$

بطوری که در آن:

M_{ijk} : بیانگر واردات اولیه کالای i از کشور k ،

$\frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$: بیانگر تغییرات سطوح تعرفه‌ای کالای i در کشور k ،

η_i^m : بیانگر کشش تقاضای واردات کالای i از کشور k توسط کشور z .

برای کشش تقاضای واردات به تبعیت از مدل اسمارت کشش تقاضای واردات برای کشورهای در حال توسعه (که نسبتاً بی کشش است)، مقدار $0/85-$ و برای کشورهای

1. SMART.

2. ثاقب، حسن (۱۳۸۳).

توسعه یافته مقدار ۱/۵- فرض شده است.^۱

انحراف تجاری افزایش در واردات کشور i از کشور عضو موافقت‌نامه (کشور j) بدلیل کاهش در قیمت نسبی کالاهای وارداتی نسبت به سایر شرکای تجاری است که در واقع ترکیب جغرافیایی واردات را تغییر می‌دهد. بر این اساس با توجه به بزرگتر یا کوچکتر بودن اثرات ایجاد و انحراف تجارت، رفاه در کشور i بدلیل تغییر واردات کالا از کشور تولیدکننده با کارایی بالاتر به سمت کشور تولیدکننده با کارایی پایین‌تر، افزایش یا کاهش خواهد یافت. برای اندازه‌گیری انحراف تجارت از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$TD_{ijk} = \frac{M_{ijk} \sum_k M_{ijk} \sum_K M_{ijK} \frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} \sigma_m}{\sum_k M_{ijk} \sum_k M_{ijk} + \sum_K M_{ijK} + \sum_k M_{ijk} \frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} \sigma_m}$$

که در آن:

TD_{ijk} : نشان‌دهنده میزان انحراف تجارت،

M_{ijk} : نشان‌دهنده ارزش واردات از کشور عضو موافقت‌نامه،

M_{ijK} : نشان‌دهنده واردات از کشورهای غیر عضو،

σ_m : نشان‌دهنده کشش جانشینی واردات کالا (که به تبعیت از مدل اسمارت این کشش

برای تمام کالاها ۱/۵- فرض شده است)،

که بیانگر تغییر در قیمت نسبی کالای وارداتی i بین کشورهای عضو و

$$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})}$$

غیر عضو است و از رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} = \frac{1 + T_1^k}{1 + T_1^K} - 1$$

$$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} = \frac{1 + T_0^k}{1 + T_0^K}$$

در رابطه فوق: T_0^k و T_0^K به ترتیب بیانگر تعرفه اولیه کشور عضو و غیر عضو بر

کالای i و T_1^K و T_1^k به ترتیب بیانگر تعرفه کشور عضو و غیر عضو بر کالای i پس از

ایجاد موافقت‌نامه می‌باشند.

1. Jachia L. & Teljeur E. (1998).

بر اساس مدل اسمارت، مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در سایر اعضای موافقت‌نامه به نفع هر کشور عضو بیانگر تغییر در صادرات و مجموع اثرات فوق در هر کشور عضو به نفع سایر اعضا بیانگر تغییر در واردات آن کشور می‌باشد. اثرات رفاهی نیز با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌گردد¹:

$$W_{ijk} = 0.5(\Delta M_{ijk} \Delta t_{ijk})$$

W_{ijk} : بیانگر آثار رفاهی،

ΔM_{ijk} بیانگر تغییرات واردات،

Δt_{ijk} بیانگر تغییرات تعرفه.

و همچنین ضریب ۰/۵ متوسط بین ارزش موانع تجاری وضع شده در قبل و بعد از کاهش یا حذف را لحاظ می‌کند. در معادله فوق فرض بر این است که کاهش عرضه صادرات بینهایت است. اما اگر چنین نباشد، کاهش قیمت‌های وارداتی در کشورهای واردکننده کمتر از کاهش موانع تجاری کاهش پیدا می‌کند.

۵. نتایج و بحث

برای برآورد آثار اجرای یک PTA بین کشورهای عضو D8 بر جریان‌های تجاری، درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه در ایران، ابتدا آثار ایجاد و انحراف تجارت تحت دو سناریوی کاهش سراسری تعرفه‌ای به میزان ۱۵ و ۳۰ درصد^۲ در سطح کدهای شش رقمی HS برآورد شده و سپس نتایج در گروه‌های کالایی فوق و همچنین در سطح کلی محاسبه شده‌است.

۵-۱. برآورد تغییرات در صادرات و واردات ایران به گروه D8

از آنجا که به تبعیت از مدل اسمارت دو مقدار ۰/۸۵- و ۱/۵- برای کاهش واردات در

1. TRID Team (2002).

2. از آنجا که اطلاعاتی در خصوص میزان کاهش نرخ‌های تعرفه در موافقت‌نامه تجارت ترجیحی گروه D8 در دست نمی‌باشد، سناریوهای کاهش تعرفه‌ای فوق به منظور برآورد میزان تغییرات احتمالی در جریان‌های تجاری ایران با گروه مذکور بصورت فرضی در نظر گرفته شده‌است.

نظر گرفته شده است، در هر سناریو دو برآورد از اثر ایجاد تجارت حاصل شده است. همانطور که اشاره شد مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در سایر اعضای D8 به نفع ایران معادل افزایش صادرات ایران و مجموع آثار ایجاد و انحراف تجارت در ایران به نفع سایر اعضای D8 معادل افزایش در واردات ایران می‌باشد. بر این اساس، پس از برآورد آثار مزبور، تغییرات در صادرات، واردات و تراز تجاری ایران به تفکیک هر کشور، کل گروه به تفکیک نوع کالا، محاسبه و در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

مطابق جدول مذکور در سناریوی اول افزایش در صادرات ایران به کشورهای D8، در دامنه بین ۵ تا ۶/۷ میلیون دلار (رشدی بین ۱/۴ تا ۱/۸ درصد نسبت به مقدار اولیه) و بر مبنای سناریوی دوم در دامنه بین ۱۰ تا ۱۳/۴ میلیون دلار (رشدی بین ۲/۷ تا ۳/۷ درصد نسبت به مقدار اولیه) بوده است. نتایج مطالعه در زمینه نوع کالاهای صادراتی حاکی است که بیشترین افزایش در صادرات ایران مربوط به کالاهای واسطه‌ای خواهد بود. بطوریکه در سناریوهای مورد نظر، ۴۳ درصد از کل افزایش صادرات ایران مربوط به این کالاها می‌باشد. حدود ۳۲ درصد از کل افزایش صادرات ایران مربوط به افزایش صادرات مواد خام، ۲۲ درصد مربوط به کالاهای مصرفی و حدود ۳ درصد نیز مربوط به کالاهای سرمایه‌ای است.

نتایج برآوردها در سطح کشوری در سناریوهای کاهش سراسری تعرفه نشان می‌دهد که صادرات ایران به پاکستان از بیشترین افزایش برخوردار بوده و بیش از ۵۰ درصد از افزایش صادرات ایران در قالب PTA بین اعضای D8 مربوط به کشور مذکور خواهد بود؛ این امر اولاً بدلیل صادرات اولیه بالاتر ایران به پاکستان (۱۱۶ میلیون دلار) نسبت به سایر اعضای D8 بوده و ثانیاً به علت بالاتر بودن میانگین وزنی تعرفه‌های پاکستان (۸/۹ درصد) نسبت به میانگین وزنی تعرفه‌های مجموعه گروه D8 (۵/۵ درصد) بر واردات از ایران می‌باشد. مطابق جدول شماره (۲)، از لحاظ مقدار افزایش در صادرات ایران پس از پاکستان، صادرات به ترکیه از بیشترین مقدار برخوردار خواهد بود؛ ارقام برآوردی مربوط به افزایش صادرات ایران به سایر اعضای D8 حاکی است که ۲۲ درصد از کل افزایش در صادرات ایران مربوط به ترکیه بوده و کشورهای مالزی با ۱۰ درصد، مصر با ۷ درصد، بنگلادش با ۵ درصد در رتبه‌های بعدی و کشور اندونزی با اختصاص ۴ درصد از کل افزایش صادرات ایران به خود، کمترین سهم را خواهد داشت.

نتایج تغییرات در صادرات ایران در سطح کدهای دو و شش رقمی HS نیز محاسبه شده است. در سطح کدهای دو رقمی نتایج حاکی است که پنج گروه کالایی سوخت‌ها و روغن‌های معدنی (کد ۲۷)، میوه‌های خوراکی (کد ۰۸)، مواد پلاستیکی (کد ۳۹) و پنبه (کد ۵۲) بیشترین مقدار افزایش در صادرات را خواهند داشت. گروه‌های کالایی مذکور علی‌رغم اینکه ۳۹ درصد از کل صادرات اولیه ایران به کشورهای D8 را تشکیل می‌دهند، اما پس از ایجاد موافقت‌نامه حدود ۵۶ درصد از کل افزایش صادرات ایران را شامل خواهند شد. در بین گروه‌های کالایی فوق سوخت‌های معدنی (کد ۲۷) به تنهایی حدود ۱۷ درصد از افزایش صادرات ایران را شامل خواهد شد. در سطح کدهای شش رقمی HS نیز فرآورده‌های نفتی غیر خام (کد ۲۷۱۰۰۰)، نخ پنبه‌ای (کد ۵۲۰۱۰۰)، انجیر (کد ۰۸۰۴۱۰)، سیب تازه (کد ۰۸۰۶۲۰) و پلی اتیلن (کد ۳۹۰۱۱۰) بیشترین مقدار افزایش را خواهند داشت. کالاهای مذکور هرچند ۲۴ درصد از کل صادرات اولیه ایران به کشورهای عضو D8 را تشکیل می‌دهند اما پس از ایجاد PTA حدود ۳۴ درصد از افزایش صادرات ایران را به خود اختصاص خواهند داد.^۱

همچنین مطابق جدول شماره (۲)، برآوردهای انجام شده در خصوص افزایش واردات ایران نشان می‌دهد که در سناریوی اول در دامنه بین ۳۵ تا ۴۷ میلیون دلار (رشدی بین ۳/۵ تا ۴/۷ درصد نسبت به مقدار اولیه) و در سناریوی دوم در دامنه بین ۷۰ تا ۹۴ میلیون دلار (رشدی بین ۷ تا ۹/۴ درصد نسبت به مقدار اولیه) افزایش خواهد یافت. نتایج کلی مطالعه بر مبنای سناریوی کاهش سراسری تعرفه در زمینه نوع کالاهای وارداتی حاکی است که کالاهای مصرفی از بیش‌ترین افزایش در واردات ایران از کشورهای مذکور برخوردار خواهند بود و حدود ۴۰ درصد از افزایش واردات ایران مربوط به کالاهای مذکور خواهد بود. علت این امر حجم اولیه بالای واردات ایران در کالاهای مزبور از سایر اعضای D8 نسبت به سایر کالاها و همچنین تعرفه‌های بالاتر ایران در این کالاها نسبت به سایر کالاها می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که از کل افزایش واردات ایران از سایر اعضای D8 پس از اجرای موافقت‌نامه، حدود ۳۹ درصد مربوط به کالاهای واسطه‌ای و ۱۸ درصد مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و حدود ۳ درصد نیز مربوط به مواد خام می‌باشند.

1. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به ناقب، حسن (۱۳۸۴).

جدول ۲- آثار ایجاد PTA بین اعضای D8 بر صادرات، واردات و تراز تجاری ایران

شرکای تجاری*		تغییر در صادرات ایران (هزار دلار)				تغییرات در واردات (هزار دلار)				تغییرات در تراز تجاری (هزار دلار)			
		سناریوی اول		سناریوی دوم		سناریوی اول		سناریوی دوم		سناریوی اول		سناریوی دوم	
کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش
۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵
بنگلادش	۲۷۳	۳۷۷	۵۴۳	۷۵۰	۸۱۵	۱۳۱۵	۱۶۲۲	۲۶۲۳	-۵۴۲	-۹۳۹	-۱۰۷۹	-۱۸۷۳	
مصر	۳۳۴	۴۸۶	۶۶۶	۹۷۰	۲۱۳	۲۸۴	۴۲۶	۵۶۸	۱۲۱	۲۰۱	۲۴۰	۴۰۱	
اندونزی	۲۲۵	۲۹۱	۴۵۰	۵۸۲	۴۰۳۰	۵۴۱۸	۸۰۳۷	۱۰۸۱۲	-۳۸۰۵	-۵۱۲۷	-۷۵۸۷	-۱۰۲۳۰	
مالزی	۵۱۵	۶۶۵	۱۰۳۰	۱۳۳۰	۵۷۰۶	۷۶۴۶	۱۱۳۸۲	۱۵۲۶۳	-۵۱۹۰	-۶۹۸۱	-۱۰۳۵۲	-۱۳۹۳۳	
پاکستان	۲۵۳۷	۳۴۲۴	۵۰۶۲	۶۸۳۷	۷۳۴۹	۹۸۳۹	۱۴۵۴۱	۱۹۵۲۲	-۴۸۱۲	-۶۴۱۵	-۹۴۷۹	-۱۲۶۸۶	
ترکیه	۱۱۲۲	۱۴۷۳	۲۲۴۰	۲۹۴۲	۱۶۷۶۹	۲۲۵۹۹	۳۳۴۱۰	۴۵۰۶۹	-۱۵۶۴۷	-۲۱۱۲۵	-۳۱۱۷۰	-۴۲۱۲۷	
مواد خام	۱۶۴۸	۲۳۱۵	۳۲۸۳	۴۶۱۹	۹۴۴	۱۲۹۹	۱۸۸۴	۲۵۹۵	۷۰۴	۱۰۱۶	۱۳۹۹	۲۰۲۴	گروه D8
کالاهای مصرفی	۱۰۷۷	۱۴۱۵	۲۱۵۰	۲۸۲۷	۱۴۰۳۲	۱۹۰۵۰	۲۷۸۴۵	۳۷۸۸۰	-۱۲۹۵۵	-۱۷۶۳۴	-۲۵۶۹۵	-۳۵۰۵۳	
کالاهای واسطه‌ای	۲۱۴۷	۲۸۱۲	۴۲۸۷	۵۶۱۸	۱۳۵۹۸	۱۸۵۷۰	۲۷۰۹۱	۳۷۰۳۴	-۱۱۴۵۱	-۱۵۷۵۸	-۲۲۸۰۴	-۳۱۴۱۶	
کالاهای سرمایه‌ای	۱۳۵	۱۷۳	۲۷۱	۳۴۶	۶۳۰۸	۸۱۸۳	۱۲۵۹۷	۱۶۳۴۸	-۶۱۷۲	-۸۰۱۰	-۱۲۳۲۷	-۱۶۰۰۲	
کل	۵۰۰۷	۶۷۱۶	۹۹۹۱	۱۳۴۱۰	۳۴۸۸۲	۴۷۱۰۲	۶۹۴۱۸	۹۳۸۵۷	-۲۹۸۷۵	-۴۰۳۸۶	-۵۹۴۲۷	-۸۰۴۴۷	

* بر اساس منبع آماری این مطالعه (PC/TAS) ایران طی دوره مورد بررسی (۲۰۰۳-۲۰۰۲) تجارتی بانیجریه بعنوان یکی دیگر از اعضای گروه D8 نداشته‌است

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج برآوردها در سطح کشوری در سناریوهای کاهش سراسری تعرفه نشان می‌دهد که واردات ایران از ترکیه از بیشترین افزایش برخوردار بوده و بیش از ۴۸ درصد از افزایش واردات ایران در قالب PTA مربوط به کشور ترکیه خواهد بود. علت این امر نیز، بالا بودن متوسط تعرفه‌های ایران نسبت به متوسط تعرفه‌های گروه D8 و مهمتر از آن بالا بودن واردات اولیه ایران از ترکیه در مقایسه با واردات از سایر کشورهای گروه می‌باشد. مطابق جدول شماره (۲)، از لحاظ مقدار افزایش در واردات ایران پس از ترکیه، به ترتیب کشور پاکستان با اختصاص ۲۱ درصد از کل افزایش واردات ایران از کشورهای مذکور در رتبه بعدی قرار دارد و کشورهای اندونزی با ۱۶ درصد، مصر با ۱۲ درصد، بنگلادش با ۲ درصد از بالاترین سهم در افزایش واردات ایران برخوردار خواهند بود و کمترین سهم نیز مربوط به واردات ایران از مصر و معادل (۱) درصد می‌باشد.

نتایج تغییرات در واردات ایران در سطح کدهای دو رقمی HS در سناریوهای مورد نظر حاکی است که پنج گروه کالایی غلات (کد ۱۰)، ماشین آلات مکانیکی و رآکتورهای هسته‌ای (کد ۸۴)، وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)، ماشین آلات و دستگاه‌های برقی (کد ۸۵)، کاغذ و مقوا، اشیاء ساخته شده از خمیر (کد ۴۸) بیشترین مقدار افزایش در واردات را خواهند داشت. کالاهای فوق هر چند در مجموع ۳۷ درصد از کل واردات اولیه ایران را تشکیل می‌دهند اما پس از ایجاد PTA، حدود ۴۷ درصد از کل افزایش واردات را شامل خواهد شد. در این میان گروه غلات به تنهایی ۲۰ درصد از کل افزایش واردات ایران را به خود اختصاص خواهد داد. همچنین در سطح کدهای شش رقمی HS نیز برنج (کد ۱۰۰۶۳۰)، پارچه استخوانبندی لاستیک چرخ (کد ۵۹۰۲۱۰)، تخته فیبری بهم فشرده (کد ۴۴۱۱۲۹)، روغن نخل و اجزاء آن (کد ۱۵۱۱۹۰) و پارچه از کنف یا سایر الیاف نسجی (کد ۵۳۱۰۱۰) بیشترین مقدار افزایش را خواهند داشت. علی‌رغم اینکه حدود ۱۷ درصد از واردات اولیه ایران از سایر کشورهای D8 مربوط به این کالاها است، اما پس از ایجاد PTA، حدود ۲۸ درصد از افزایش کل واردات ایران به کشورهای مذکور مربوط به همین کالاها خواهد بود. لازم به ذکر است که برنج اگرچه ۷ درصد از کل واردات اولیه ایران از گروه D8 را به خود اختصاص داده است اما پس از ایجاد PTA و در صورت کاهش سراسری تعرفه، حدود ۲۰ درصد از

افزایش واردات ایران به کشورهای مذکور را به خود اختصاص خواهد داد.^۱ با توجه به تغییراتی که در صادرات و واردات ایران ایجاد می‌شود، کسری فعلی تراز تجاری ایران تشدید شده و در سناریوی اول در دامنه بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار و در سناریوی دوم در دامنه بین ۵۹ تا ۸۰ میلیون دلار افزایش خواهد یافت. هرچند در اثر ایجاد PTA بین اعضای D8 تحت سناریوهای مورد نظر کسری تراز تجاری ایران با سایر اعضای D8 در سطح کل تجارت زیادتر می‌شود، اما در برخی از گروه‌های کالایی بر تراز تجاری کالایی افزوده خواهد شد؛ این گروه‌های کالایی عبارتند از: سوخت‌ها و روغن‌های معدنی (کد ۲۷)، پنبه (کد ۵۲)، میوه‌های خوراکی (کد ۰۸)، سبزیجات و نباتات ریشه‌ای (کد ۰۷)، فرش و سایر کف‌پوش‌ها از مواد نساجی (کد ۵۷)، محصولات شیمیایی غیر آلی (کد ۲۸)، سنگ فلز، جوش و خاکستر (کد ۲۶)، لباس و متفرعات لباس غیر کشباف (کد ۶۲)، پوست و چرم (کد ۴۱)، نمک، گوگرد، خاک و سنگ و گچ، آهک و سیمان (کد ۲۵)، قهوه، چای، ماته و ادویه (کد ۰۹)، فرآورده‌های سبزیجات و میوه‌ها (کد ۲۰)، مس و مصنوعات از مس (کد ۷۴)، پشم، موی نرم یا زبر حیوان (کد ۵۱)، انگم‌ها، رزین‌ها و سایر شیره‌ها (کد ۱۳)، روی و مصنوعات روی (کد ۷۹)، کفش، گتر و اشیاء همانند (کد ۶۴)، نوشابه‌ها، آبگونة‌های الکلی و سرکه (کد ۲۲).

۲-۵. برآورد تغییرات درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه ایران

برآورد آثار ایجاد PTA بین اعضای D8 بر درآمدهای تعرفه‌ای ایران در سطح کشوری نیز حاکی است درآمدهای تعرفه‌ای ایران کاهش یافته و بر مبنای سناریوی اول در دامنه بین ۱۴۵ تا ۱۴۷/۹ میلیون دلار با کاهشی به میزان ۷/۹ تا ۹/۷ درصد و بر مبنای سناریوی دوم در دامنه ۱۲۶/۳ تا ۱۳۱/۱ میلیون دلار با کاهشی به میزان ۱۸/۴ تا ۲۱/۴ درصد تغییر خواهد یافت. در بررسی تغییرات درآمدهای تعرفه‌ای ایران پس ایجاد PTA بین اعضای D8 در سطح کدهای دو رقمی HS نتایج حاکی است که غلات (کد ۱۰)، ماشین آلات مکانیکی و رآکتورهای هسته‌ای (کد ۸۴)، چوب و اشیاء چوبی، زغال چوب (کد ۴۴)، کاغذ و مقوا، اشیاء ساخته شده از خمیر (کد ۴۸)، وسائط نقلیه زمینی غیر از نواقل روی

۱. همان مأخذ.

خط (کد ۸۷) بیشترین کاهش در درآمدهای تعرفه ایران را خواهند داشت. لازم به ذکر است که در بین کالاهای فوق، ۲۳ درصد از کل درآمد تعرفه‌ای ایران در اثر واردات از سایر اعضای D8، از واردات غلات تأمین می‌شود و پس از ایجاد PTA بین اعضای D8 بیشترین کاهش در درآمد تعرفه‌ای ایران، پس از کاهش موانع تعرفه‌ای نیز مربوط به همین گروه کالایی خواهد بود.^۱

بر آورد آثار ایجاد PTA بین اعضای D8 بر رفاه ایران در سطح کشوری حاکی است کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه و در نتیجه افزایش تقاضای واردات آثار رفاهی در ایران بدنبال خواهد داشت. نتایج نشان می‌دهد آثار رفاهی بر مبنای سناریوی اول در دامنه بین ۰/۳ تا ۰/۴ میلیون دلار و بر مبنای سناریوی دوم در دامنه بین ۱/۲ تا ۱/۷ میلیون دلار تغییر خواهد یافت.

در بین کشورهای عضو D8 افزایش رفاه در قبال افزایش واردات از پاکستان علی‌رغم حجم اولیه پایین تر آن نسبت به کشورهای مالزی و اندونزی، چشمگیرتر می‌باشد و افزایش رفاه ناشی از افزایش تجارت با کشورهای مالزی، اندونزی، بنگلادش و مصر در مراتب بعدی قرار دارند. در بررسی آثار رفاهی بر حسب کدهای دو رقمی HS نتایج حاکی است غلات (کد ۱۰)، چوب و اشیاء چوبی، زغال چوب (کد ۴۴)، وسائط نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)، ماشین آلات و دستگاههای برقی و اجزاء (کد ۸۵)، ماشین آلات مکانیکی و رآکتورهای هسته‌ای (کد ۸۴)، کاغذ و مقوا، اشیاء ساخته شده از خمیر (کد ۴۸)، کائوچو و اشیاء ساخته شده از کائوچو (کد ۴۰) و مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آنها (کد ۳۹) بیشترین آثار رفاهی در اثر کاهش سراسری تعرفه‌ها در سناریوی‌های مورد نظر را خواهند داشت. در بین گروه‌های کالایی فوق، غلات (کد ۱۰) بیشترین آثار رفاهی را در ایران خواهد داشت؛ بطوری که ۳۵ درصد از کل آثار رفاهی ایران مربوط به همین گروه کالایی می‌باشد.^۲

1. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به ثاقب، حسن (۱۳۸۴).

2. همان مأخذ.

جدول ۳- آثار ایجاد PTA بین اعضای D8 بر درآمد تعرفه‌ای و رفاه در ایران ارقام به میلیون دلار

آثار رفاهی				درآمد تعرفه‌ای				درآمدهای تعرفه‌ای اولیه	شرکای تجاری
سناریوی دوم		سناریوی اول		سناریوی دوم		سناریوی اول			
کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش	کشش		
۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵	۱/۵	۰/۸۵		
۵۶	۳۲	۱۴	۸	۴۴۷۸	۴۳۶۴	۵۲۵۵	۵۱۸۶	۵۹۶۶	بنگلادش
۷	۴	۲	۱	۶۴۳	۶۲۹	۷۴۴	۷۳۶	۸۳۲	مصر
۱۷۳	۹۸	۴۳	۲۴	۱۳۱۶۵	۱۲۸۱۶	۱۵۱۳۱	۱۴۹۱۹	۱۶۷۹۰	اندونزی
۲۶۱	۱۴۸	۶۵	۳۷	۱۸۷۷۵	۱۸۲۴۷	۲۱۵۰۴	۲۱۱۸۴	۲۳۷۶۶	مالزی
۸۷۰	۴۹۳	۲۱۸	۱۲۳	۳۳۸۰۹	۳۲۰۴۹	۳۶۸۹۶	۳۵۸۲۸	۳۸۴۳۵	پاکستان
۱۰۱۴	۵۷۴	۲۵۳	۱۴۴	۶۰۱۹۵	۵۸۱۴۵	۶۸۳۵۷	۶۷۱۱۲	۷۴۸۰۵	ترکیه
۷۲	۴۱	۱۸	۱۰	۳۹۱۱	۳۷۶۶	۴۳۷۵	۴۲۸۷	۴۷۰۵	مواد خام
۱۴۳۲	۸۱۲	۳۵۸	۲۰۳	۶۲۱۵۳	۵۹۲۵۷	۶۸۶۷۰	۶۶۹۱۱	۷۲۶۷۸	کالاهای مصرفی
۶۴۱	۳۶۳	۱۶۰	۹۱	۴۶۹۹۳	۴۵۶۹۷	۵۴۲۴۷	۵۳۴۶۱	۶۰۴۸۲	کالاهای واسطه‌ای
۲۳۶	۱۳۴	۵۹	۳۳	۱۸۰۰۸	۱۷۵۳۱	۲۰۵۹۶	۲۰۳۰۶	۲۲۷۳۰	کالاهای سرمایه‌ای
۲۳۸۰	۱۳۴۹	۵۹۵	۳۳۷	۱۳۱۰۶۵	۱۲۶۲۵۱	۱۴۷۸۸۸	۱۴۴۹۶۵	۱۶۰۵۹۵	کل

مأخذ: محاسبات تحقیق

۳-۵. یافته‌های تحقیق

خلاصه یافته‌های تحقیق در چارچوب مدل مورد استفاده و همچنین سناریوهای کاهش تعرفه‌ای بشرح زیر می‌باشد:

بدلیل بالاتر بودن متوسط تعرفه‌های ایران بر واردات از گروه D8 نسبت به متوسط تعرفه‌های گروه بر واردات از ایران، پس از ایجاد PTA، اثرات ایجاد تجارت و همچنین انحراف تجارت در ایران به نفع اعضای گروه بیش از اثرات مذکور در گروه به نفع ایران خواهد بود. بنابراین با کاهش سراسری تعرفه‌ها علیرغم افزایش حجم تجارت و صادرات ایران، با این وجود بدلیل افزایش بیشتر واردات ایران نسبت به صادرات در تجارت با گروه مذکور، کسری تراز تجاری ایران افزایش خواهد یافت. این موضوع در مورد پاکستان و مصر که ایران با آنها دارای مازاد تراز تجاری است، متفاوت است و در مورد پاکستان از مازاد تراز تجاری ایران کاسته شده و در مورد مصر به مازاد افزوده می‌شود؛ هرچند مصر تنها یک درصد از کل واردات ایران با گروه را شامل می‌شود.

ایجاد تجارت مؤثرتر از انحراف تجارت در گروه D8 برای ایران خواهد بود. بنابراین بخش بیشتری از صادرات ایران جایگزین تولیدات داخلی اعضای گروه (در صورت وجود تولید مشابه) خواهد شد. هر چند این مسئله در مورد کشورهای ترکیه، اندونزی و مالزی متفاوت می‌باشد بدین معنی که اثر انحراف تجارت بیش از اثر ایجاد تجارت در آن کشورها برای ایران خواهد بود.

مواد خام بیشترین ایجاد تجارت در گروه D8 به نفع ایران و کالاهای واسطه‌ای علیرغم حجم اولیه صادراتی بیشتر، در رتبه بعدی قرار خواهد داشت. همچنین تنها در مواد خام اثرات ایجاد تجارت بیش از اثرات انحراف تجارت در گروه D8 به نفع ایران خواهد بود، در حالی که در مورد کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی خلاف این امر صادق است. پس از ایجاد PTA، بطور نسبی برای کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، اثرات انحراف تجارت بیش از ایجاد تجارت در گروه D8 به نفع ایران بوده اما در مورد مواد خام بطور نسبی ایجاد تجارت بیش از انحراف تجارت در سایر کشورهای عضو به نفع ایران خواهد شد.

افزایش نسبی در صادرات مواد مصرفی و مواد خام ایران بیش از صادرات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در قالب موافقت‌نامه ترجیحات تجاری کشورهای عضو D8 خواهد بود.

در کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی، انحراف تجارت مؤثرتر از ایجاد تجارت در گروه D8 برای ایران خواهد بود اما در مورد مواد خام عکس این قضیه صادق است. صادرات کالاهای مصرفی ایران به اعضای D8 در قالب PTA از افزایش بیشتری برخوردار خواهد شد، علت این امر اولاً وجود متوسط تعرفه‌های بالاتر کالاهای مذکور نسبت به سایر کالاها در گروه D8 و ثانیاً اثرات ایجاد و انحراف تجارت بیشتر کالاهای مصرفی نسبت به سایر کالاها در گروه D8 به نفع ایران می‌باشد. نتایج حاکی است که حدود ۴۲ درصد از افزایش در صادرات مربوط به کالاهای واسطه‌ای، ۳۴ درصد مواد خام، ۲۱ درصد کالاهای مصرفی و ۳ درصد کالاهای سرمایه‌ای خواهد بود.

بیش از نیمی از افزایش صادرات ایران به گروه D8 در قالب PTA مربوط به کشور پاکستان و حدود نیمی از افزایش واردات ایران نیز مربوط به واردات از ترکیه خواهد بود که بیانگر نقش فعال و برتر دو کشور مذکور در تجارت ایران با سایر اعضای D8 می‌باشد. همچنین نتایج کلی حاکی است پس از ایجاد PTA، ایجاد تجارت مؤثرتر از انحراف تجارت در ایران به نفع گروه D8 بوده و بنابراین بخش بیشتری از افزایش واردات جایگزین تولیدات داخلی ایران خواهد گردید.

بر اساس نتایج حاصله پس از ایجاد PTA، کالاهای مصرفی از افزایش نسبی بیشتری در واردات ایران در مقایسه با سایر کالاها برخوردار خواهند بود. علت این امر متوسط تعرفه‌های بالاتر کالاهای مصرفی نسبت به سایر کالاها و در نتیجه اثرات ایجاد و انحراف تجارت بیشتر ایران در کالاهای مذکور به نفع گروه D8 می‌باشد. از این حیث به ترتیب کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد خام در رده‌های بعدی قرار دارند. نتایج حاکی است که حدود ۴۵ درصد از افزایش واردات ایران از گروه مربوط به اثر انحراف تجارت بوده که تنها مکان جغرافیایی واردات را تغییر داده و از این بابت تغییری

در کل واردات ایران حاصل نخواهد شد. اما مابقی رقم افزایش واردات از گروه مربوط به اثر ایجاد تجارت بوده که در واقع افزایش در کل واردات ایران محسوب می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از این مقدار مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌باشد که به لحاظ نقشی که در افزایش اشتغال و نوسازی صنایع خواهند داشت می‌توان در مذاکرات برای اعطای ترجیحات تجاری به کشورهای عضو D8 در این کالاها امتیازات تعرفه‌ای اعطاء کرد.

همچنین طبق نتایج میزان کاهش در درآمدهای تعرفه‌ای ایران پس از ایجاد PTA کمتر از درصد کاهش در تعرفه‌ها خواهد بود چون بخشی از درآمدهای تعرفه‌ای از طریق افزایش واردات ناشی از کاهش تعرفه‌ها جبران خواهد شد.

آثار رفاهی ایران در اثر ایجاد PTA بدلیل افزایش واردات ایران از گروه D8 در اثر کاهش موانع تعرفه‌ای و در نتیجه ارزان تر شدن کالاها بوجود می‌آید. نتایج حاکی است بیشترین آثار رفاهی در نتیجه افزایش واردات از کشورهای ترکیه و پاکستان حاصل شده اما بطور نسبی آثار رفاهی ناشی از افزایش واردات از پاکستان بیشتر خواهد بود و از این حیث کشورهای ترکیه، مالزی، اندونزی، بنگلادش و مصر در رده‌های بعدی قرار خواهند داشت.

مجموع آثار رفاهی و افزایش در صادرات ایران در تجارت ایران با کشورهای پاکستان و مصر در قالب گروه D8 بیش از کاهش در درآمدهای تعرفه‌ای ایران در اثر کاهش سطوح تعرفه‌ای خواهد بود اما در مورد مجموع کشورهای عضو D8 و سایر اعضا این امر صادق نیست.

جمع‌بندی و ملاحظات

از آنجا که بر اساس یافته‌های این مطالعه اجرای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بین اعضای D8 با افزایش حجم تجارت، صادرات و واردات ایران همراه بوده و آثار رفاهی برای ایران بدنبال دارد و این امر موجب تعامل و نزدیکی بیشتر فیمابین گروهی از کشورهای اسلامی می‌گردد و افزایش تجارت درون گروهی ایجاد بازار مشترک اسلامی

را تسهیل می‌نماید، لذا انعقاد این موافقت‌نامه توصیه می‌گردد. اما به منظور منتفع شدن جمهوری اسلامی ایران از حضور در این گروه‌بندی در بلندمدت لازم است نسبت به متنوع کردن اقلام صادراتی خود به کشورهای مذکور اقدام نماید؛ چون در غیر این صورت تراز بازرگانی بطور مستمر به ضرر ایران منفی خواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود که نسبت به ایجاد تنوع در کالاهای صادراتی ایران بویژه در آن دسته از گروه‌های کالایی که واجد بیشترین آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت در آن کشورها به نفع ایران هستند، اقدام گردد. اهم گروه‌های کالایی مذکور عبارتند از: سوخت‌ها و روغن‌های معدنی (کد ۲۷)، میوه‌های خوراکی (کد ۰۸)، مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آن (کد ۳۹)، پنبه (کد ۵۲)، چدن، آهن و فولاد (کد ۷۲)، سبزیجات، نباتات ریشه (کد ۰۷)، محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹)، فرش و سایر کف‌پوش‌ها از مواد نساجی (کد ۵۷)، محصولات شیمیایی غیر آلی (کد ۲۸)، آلومینیوم و مصنوعات آن (کد ۷۶).

از آنجا که میانگین وزنی و حسابی تعرفه‌های ایران بر واردات از کشورهای عضو D8 بیش از میانگین وزنی و حسابی تعرفه‌های آن کشورها بر واردات از ایران می‌باشد؛ از این رو در مذاکرات ترجیحات تجاری چنانچه مقدار معین کاهش تعرفه‌ای بجای درصد کاهش تعرفه‌ای در نظر گرفته شود، به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود چون در این صورت با توجه به بالا بودن تعرفه‌های ایران ترجیحات اعطایی مناسب‌تر خواهد بود و چنانچه در مذاکرات، کشورهای عضو D8 در فهرست درخواستی خود برای کاهش تعرفه‌ای توسط ایران کالاهایی را مطرح سازند که بیشترین افزایش احتمالی را در واردات ایران از آن کشورها داشته باشد، توصیه می‌گردد اولاً کالاهایی انتخاب گردد که جزء کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و موادخام مورد نیاز صنایع باشند و تا حد امکان از دادن امتیاز به واردات کالاهای مصرفی خودداری شود چرا که با توجه به حجم بالای واردات اولیه این کالاها، کاهش موانع تعرفه‌ای باعث واردات بیش از اندازه و جایگزینی آن‌ها بجای کالاهای مصرفی تولید داخلی شده و این امر احتمال بروز بیکاری را افزایش داده و به سیاست ایجاد اشتغال که دغدغه دولت است صدمه خواهد زد. در عوض با دادن امتیاز به ورود کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و موادخام و فرآوری آنها در داخل احتمال افزایش

اشتغال نیز وجود خواهد داشت. ثانیاً کالاهایی باشند که انحراف تجارت بیشتری نسبت به ایجاد تجارت در ایران به نفع آن کشورها داشته باشند چون در اینصورت بخش زیادی از واردات ایران در آن کالاها، تنها از سوی کشورهای غیرعضو بطرف اعضاء منحرف شده و تغییری در کل واردات ایران در آن کالاها ایجاد نمی‌کند و در نتیجه از این بعد سبب کاهش تولید داخلی و بیکاری نخواهد شد. براساس نتایج این مطالعه مهم‌ترین کالاهای غیرمصرفی که بیشترین افزایش در واردات ایران از کشورهای مذکور را داشته و علاوه بر آن سهم بیشتری از این افزایش مربوط به انحراف تجارت می‌باشد، عبارتند از: پارچه استخوانبندی لاستیک چرخ (کد ۵۹۰۲۱۰)، نخ یک لاو بدون تاب (کد ۵۴۰۲۴۲)، شاسی وسایط نقلیه موتوری (کد ۸۷۰۶۰۰)، اجزاء وسایط نقلیه موتوری (کد ۸۷۰۸۹۹)، کاغذومقوای برای مقاصد گرافیکی (کد ۴۸۰۲۵۲)، الیاف سنتتیک (کد ۵۵۰۳۳۰)، تخته فیبری (کد ۴۴۱۱۲۱)، الیاف مصنوعی غیر یکسره (کد ۵۵۰۴۱۰).

منابع

- ثاقب، حسن (۱۳۸۳)؛ ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): با استفاده از مدل اسمارت در قالب سناریوهای کاهش تعرفه‌ای، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مدیریت بازاریاب مشترک اسلامی.
- _____ (۱۳۸۴)؛ بررسی آثار ایستای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو D8 بر جریان‌های تجاری، درآمدهای دولت و رفاه در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مدیریت بازاریاب مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن و سیف‌اله صادقی یارندی (۱۳۸۵)؛ "بررسی آثار موافقت‌نامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت"، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۸، صفحات ۲۹۴-۲۵۹.
- مقررات صادرات و واردات ایران (۱۳۸۳)؛ وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بر اساس آخرین تصویب‌نامه هیات وزیران.
- Amponsah, W. A. (2002); "Analytical and Empirical Evidence of Trade Policy Effects of Regional Integration: Implications for Africa", *Trade Policies during the Africa Development Forum III*, March 3-8, 2002 in Addis Ababa, Ethiopia.
- Ethier, W. and H. Horn (1984); "A new look at economic integration in H.Kierszkowski", ed. *Monopolistic Competition and International Trade*, Oxford.
- <http://www.wits.worldbank.org>
- Jachia L. and Teljeur E. (1998); "Free Trade between South Africa and The European Union: Quantitative Analysis", *TIPS Working paper*, No. 11, July.
- Kemp, M.C. and H. Wan (1976); "An elementary proposition concerning the formation of customs unions", *Journal of International Economics*, 6, pp. 95-8.

- Lipsey, R. G. (1957); "The theory of customs unions; trade diversion and welfare", *Economica*, 24, pp. 40-46.
- Meade, J. E. (1955); *The theory of customs unions*, North-Holland, Amsterdam.
- Ohyama, M. (1972); "Trade and welfare in general equilibrium", *Keio Economic Studies*, 9, pp. 37-73.
- Smith, A. and Venables, A. J. (1988); "Completing the Internal Market in the European Community: Some Industry Simulations", *European Economic Review*, 32, pp. 1501- 25.
- Summers, L. (1991); "Regionalism and the World Trading System, in Policy Implications of Trade and Currency Zones", *Federal Reserve Bank of Kansas*.
- TRID Team. (2002); "Economic and Welfare Impacts of the EU-Africa Economic Partnership Agreements, The Analytical Methodology-the GTAP and SMART Models and related Databases", *Economic Commission for Africa*.
- Venables, A. J. (2000); "Winners and losers from regional integration agreements", *CEPR Discussion Paper*, London.
- Venables, A. J. (2000); *International trade; regional economic integration. International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, London School of Economics.
- Viner, J. (1950); *The Customs Union Issue*, Carnegie Endowment for International Peace, New York.
- Winters, L. A. and Chang, W. (2000); "Regional Integration and the Prices of Imports: An Empirical Investigation", *Journal of International Economics*.
- Wonnacott, R. I. and M. Lutz (1989); "Is There a Case for Free Trade Areas?", in J. Schott (ed.), *Free Trade Areas and US Trade Policy*, Institute for International Economics, Washington DC.
- World Bank. (2000); *Trade blocks*, Policy Research Report, Washington.